

مخاطره‌های بافت فرسوده شهر تهران از دیدگاه کنشگران عادی^۱

ایرج قاسمی^۲ * احمد پوراحمد^۳ * حسین حاتمی‌نژاد^۴

چکیده

این مقاله به دنبال شناسایی انواع مخاطرات و راهکارهای اندیشیده شده برای مقابله و نحوه مدیریت مخاطره توسط ساکنان بافت فرسوده شهر تهران به عنوان کنشگران عادی این محلات است. با انتخاب ۶۲۲ خانوار در ۳۷ محله از محله‌های دارای بافت فرسوده شهر تهران به روش پیمایش میدانی و با ابزار پرسشنامه به صورت حضوری اطلاعات جمع‌آوری شده است. یافته‌ها نشان داد: مخاطره‌های انسان‌ساخت در بافت فرسوده به شکل تبعیض آمیزی در شهر نمود یافته است؛ ساکنان کمتر باسواد، مسن‌تر و کم‌درآمد بافت فرسوده، فرصت کمتری برای شناسایی مخاطره داشته و در صورت شناسایی مخاطره، توان مدیریت خطرات بالقوه آن را ندارند. اصلی‌ترین مخاطره‌ها از دید ساکنان، مخاطره از تنهایی، بی‌هویتی و عدم دسترسی به خدمات مدرن است. پاسخگویان سه دسته اصلی از راهکارها را برای کاهش مخاطره مد نظر دارند، اما با سکونت در محله، در واقع، مدیریت فرد در حد سازش تقلیل یافته است. سابقه سکونت، سن، سواد و درآمد مهم‌ترین عوامل در تعیین راهکار و مدیریت مخاطره از سوی ساکنان بوده است.

واژگان کلیدی: بافت فرسوده، مخاطره، مدیریت مخاطره، تهران و پیامد مدرنیته.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال چهارم • شماره چهاردهم • بهار ۹۴ • صص ۱۶۱-۱۳۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۶/۳۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۱۱/۲۶

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «بازنگری رویکردهای نظری و معیارهای شناسایی بافت فرسوده شهری» است که با حمایت جهاد دانشگاهی انجام اجرا شده است.
۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، نویسنده مسئول (i_ghasemi@yahoo.com).
۳. استاد دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران (apoura@ut.ac.ir).
۴. استادیار دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران (hatami35@yahoo.com).

مقدمه

با گسترش شهرنشینی و توسعه شهرها، دستورالعمل قدیمی «دگرگونی شهر، دگرگونی زندگی را به دنبال خواهد آورد» (حیبی، ۱۳۷۵: ۱۹۲؛ حیبی، ۱۳۸۵: ۴۲)، مورد تأکید قرار گرفته و طرح‌های توسعه شهری تهیه شدند. در پی نوگردانی شهرها، شتاب تغییرات در کالبد و فعالیت چنان افزایش یافت که در بخشی از شهر، گاه تحول و تطور کالبد از تغییرات فعالیت پیشی گرفت و زمانی از آن عقب ماند و در مواقعی این هر دو از زمانه بازماندند. این فرایند باعث شد در بخشی از شهر، «بافت فرسوده نسبی یا کامل» (حیبی و مقصودی، ۱۳۸۴: ۱۷) تولید شود. از این رو شکل‌گیری و گسترش بافت فرسوده را می‌توان به‌عنوان یکی از پیامدهای مدرنیته و مدرنیزاسیون در شهرها دانست و فرسودگی، محصول بخشی از تعامل محتوا و کالبد در فرایند زمان است که شناخت و تعریف محدوده این بافت، برای مدیریت آن به دغدغه مهمی تبدیل شده است.

مجریان طرح‌های نوسازی و بهسازی، با تقلیل فرسودگی بافت به ابعاد و شاخص‌های کالبدی، برای شناسایی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد، با تمهید سه پارامتر ناپایداری، ریزدانی و دسترس‌ناپذیری (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴) تلاش کردند این بافت‌ها را از بافت‌های کارآمد تفکیک کنند. در حالی که انسان به‌عنوان سوژه و «کنشگر عادی» در این بافت، برداشت دیگری از ناکارآمدی و فرسودگی دارد، کم‌توجهی به برداشت‌ها و نیازهای کنشگران عادی و تلاش در ارائه برداشتی مدرنیستی از موضوع، چالش اساسی در نوسازی و بهسازی بافت فرسوده است.

تهران به‌عنوان دروازه ورود الگوهای مداخله‌های نوگرایانه و پیشرو در تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از مدرنیته و مدرنیزاسیون، بیش و پیش از همه، با فرسودگی و ناکارآمدی بخشی از شهر و مداخله‌های دستوری برای نوسازی و بهسازی این بافت برای کاهش آسیب‌ها و پیامدهای مخاطرات طبیعی روبه‌رو بوده است. بیش از یک میلیون و ۱۵۰ هزار نفر از جمعیت شهر در ۳ هزار و ۲۷۰ هکتار از محدوده شهری زندگی می‌کنند که بر

اساس معیارهای کالبدی بافت فرسوده شناخته می‌شود. این محدوده ۵ درصد از کل بافت‌های فرسوده کشور را تشکیل می‌دهد (قاسمی، ۱۳۹۱).

با توجه به این رویکرد که فضا، محیط و فرم فضایی محصول فرایندهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی (Lefebvre, 1991؛ زیاری، ۱۳۸۲ ب: ۹۷؛ حاتمی‌نژاد و قهرایی، ۱۳۸۵: ۳۳؛ ابراهیمی و اسلامی، ۱۳۸۹: ۵) است، می‌توان گفت که شهر مکان تجربه مدرنیته (برمن، ۱۳۸۹؛ تاجبخش، ۱۳۸۶: ۳۱) و محل تولید و عرضه دستاوردهای آن بوده و از آنها تأثیر می‌پذیرند (زیاری، ۱۳۸۲: ۱۵۱). نوگردانی شهری ضمن اینکه افزایش امکانات و خدمات شهری را تضمین کرده و رفاه شهروندان را بهبود بخشیده و بخشی از تهدیدهای شهرهای سنتی را کاهش داده، شهرهای امروزی را به مکان‌هایی پرمخاطره تبدیل کرده است؛ مخاطراتی که با تهدیدها و خطرهای دوره ماقبل مدرن تفاوت اساسی دارد.

برنامه نوسازی و بهسازی بافت فرسوده شهر، تهدیدهای ناشی از عوامل طبیعی را به‌عنوان اصلی‌ترین مخاطره بافت‌های فرسوده قلمداد کرده و برای مدیریت مخاطرات، برنامه نوسازی شهر و بافت‌ناکارآمد را تدوین کرده است (کول‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱). این نگرش در طول سال‌های اخیر به‌ویژه از زمان اجرایی شدن برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی، زمینه را برای بازسازی و نوسازی کالبدی بافت فرسوده فراهم کرده است. اما نتیجه نشان داده است که علی‌رغم هزینه و سرمایه‌گذاری کلان و برنامه‌ریزی برای بهسازی و نوسازی سالانه ۱۰ درصد از بافت - در طی ده سال گذشته - تنها ۳۰ درصد از بافت فرسوده شهر تهران نوسازی و بهسازی شده است. مسائل اجتماعی و عدم تفاهم ساکنان، مهم‌ترین موانع نوسازی در بافت‌های فرسوده بوده است.^۱ اطلاعات فوق‌گویی آن است ذهنیت و برداشت کارشناسان با ذهنیت و نیازهای ذهنی و واقعی مردم ساکن در این بافت‌ها متفاوت بوده و به مثابه یک مسئله اساسی در نوسازی بافت مطرح است. مخاطراتی که مبنای تصمیم‌مدیران برای نوسازی و بهسازی بافت قرار گرفته، با مخاطرات ذهنی ساکنان تطبیق نداشته و اقدام برای نوسازی و بهسازی به‌کندی پیش می‌رود. بنابراین شناخت مخاطره‌های سکونت در بافت فرسوده از دیدگاه ساکنان اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند. بررسی موضوع مخاطرات و تعیین انواع و تشخیص اولویت آنها از پایین و از نگاه

۱. مصاحبه مدیرعامل سازمان نوسازی شهر تهران در ۲۶ خرداد ۱۳۹۳

سوژه مدرنیته و کنشگر عادی، مسئله‌ای است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به تأثیرپذیری شهر و شهرنشینی از مدرنیته، مقاله حاضر به دنبال این است که در چارچوب پیامدهای مدرنیته، انواع مخاطره در بافت فرسوده شهر تهران را شناسایی کرده و نحوه مدیریت آن توسط ساکنین بافت را مورد بررسی قرار دهد. از این رو سؤال‌های اصلی تحقیق عبارت است از: از نگاه انسان به‌عنوان سوژه مدرنیته و کنشگر عادی، چه نوع مخاطراتی در بافت فرسوده وجود دارد؟ شهروند بافت فرسوده برای مدیریت مخاطرات و کاهش تهدیدهای ناشی از مخاطره چه راهکارهایی در اندیشه خود داشته دارد؟ و چه عواملی در عملی کردن این راهکارهای مدیریت مخاطره نقش دارند؟ پاسخ به این سؤال‌ها می‌تواند جهت‌گیری نوسازی و بهسازی بافت فرسوده و فرایندهای شناخت و تشخیص آن را اصلاح کرده و ضمن تسریع در روند نوسازی، تحقق اهداف نظام را در زمان کوتاه‌تری امکان‌پذیر سازد.

۱. ادبیات نظری

۱-۱. مفهوم مخاطره

مفهوم «مخاطره» پیامد نگرانی عظیم جامعه درباره تطابق با خطرات زندگی مدرن است (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۸: ۱۲۷). بنابراین هر جامعه‌ای که فرایند مدرنیزاسیون را دنبال کرده و خواهان تطبیق خود با اصول مدرنیته باشد، باید بپذیرد که با مخاطرات جدیدی روبه‌رو خواهد شد. «مخاطره» از موقعیت‌های غیرقابل کنترل مدرنیته تولید می‌شود. روایت مخاطره، روایت طنزآمیزی است؛ به بیان سقراط، «آگاهی داشتن انسان از اینکه هیچ چیز نمی‌داند» و انسان نمی‌داند در آینده با چه خطراتی روبه‌روست (Beck, 2006: 329). به بیانی دیگر، مخاطره روش سیستماتیک رویارویی با خطرات و ناامنی‌هایی است که به وسیله مدرنیزاسیون تولید می‌شود (Beck, 1992: 21). این مفهوم با واژه‌های مشابه «خطر»^۱ و «در معرض خطر قرار گرفتن»^۲ متفاوت است (Mythen, 2004: 13-14; Giddens, 1999: 3). مخاطره به شرایط و موقعیتی نظر دارد که احتمالاً خطرآفرین و صدمه‌زننده است. مفهوم مخاطره با ظهور مدرنیته بسط پیدا کرد (Giddens & Pierson, 1998: 103) و با مفهوم

1. I know that I know nothing
2. Hazard
3. Danger

بازاندیشی پیوند دارد. در این معنا، مدرنیته جریانی است که به شکلی ناخواسته شرایط مخاطره‌آمیز را می‌آفریند (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۷: ۱۲۶). بک معتقد است: در جوامع غربی که در دوره‌ای در حال گذار زندگی می‌کنند، جامعه صنعتی در حال تبدیل شدن به یک جامعه مخاطره‌آمیز است. جامعه مخاطره‌آمیز، جامعه‌ای است که به نحو فزاینده‌ای در مورد آینده (و اغلب ایمنی) نگران است و این نگرانی مفهومی مخاطره را پدید می‌آورد (Giddens, 1999: 3). در دوران گذار، تولید ثروت، ملازم با بیم‌زدگی است، بیم‌زدگی‌ها یا مخاطراتی که به منزله پیامد مدرنیزاسیون در حال گسترش هستند. مدرنیزاسیون مبتنی بر مسیرها یا مجاری جامعه صنعتی در حال جایگزینی به وسیله مدرنیزاسیون مبتنی بر اصول یا قواعد جامعه صنعتی است (توسلی و ودادهیر، ۱۳۸۸: ۲۵).

۱-۲. منشأ و انواع مخاطره

منشأ اصلی مخاطرات اجتماعی دو نوع دگردیسی^۱ است که خود بر زندگی امروز مؤثر افتاده است: اولین دگردیسی مربوط به چیزی است که «پس از پایان طبیعت»^۲ خوانده می‌شود. به باور گیدنز، زیستن و سبک‌های آن پس از پایان طبیعت به این معنی نیست که جهان طبیعی ناپدید شده است، بلکه در جهان طبیعی، هستارها یا آنچه تحت تأثیر فعالیت‌ها و دستکاری انسانی نباشد، بسیار اندک هستند (توسلی و ودادهیر، ۱۳۸۸: ۲۸). دومین دگردیسی مربوط به «پس از پایان سنت»^۳ است. بشر سال‌ها نگران خطرات طبیعت همچون سیل و زلزله و سایر تهدیدهای طبیعی بود، ولی امروز نگران کارهایی است که خود در طبیعت انجام می‌دهد و این برای نسلی که بعد از طبیعت^۴ زندگی می‌کند، خطر بزرگی است. در مورد پایان سنت نیز سوژه مدرنیته، نگران سرنوشت خود است.

1. Transformation
2. The end of nature
3. The end of tradition
4. After nature

جدول ۱. مقایسه مشخصه‌های مخاطره در جامعه ماقبل مدرن و مدرن

مشخصه	ماقبل مدرن	مدرن
نمونه مخاطرات	طاعون، خشکسالی، بلایای طبیعی، جنگ‌ها، خدایان و شیطان‌ها	آلودگی‌ها، تخریب محیط زیست، تهدیدهای مدرن و عدم امنیت حریم خصوصی
ماهیت	محلی	جهانی و غیرمحلی
مدیریت مخاطره	تسخیرناپذیر	تسخیرپذیر و قابل تبیین؛ با استفاده از ابزارهای تکنولوژیک قابل کاهش است اما هیچ‌گاه به‌طور کامل کنترل نمی‌شود.
منشأ مخاطره	طبیعت و عوامل متافیزیکی	دنیای مرموزتر و نامعین‌تر طبیعت (سرشت) و عملکرد آدمیزاد
نحوه مقابله	مبتنی بر طبیعت و بدون آگاهی و تصمیم	مبتنی بر تصمیم‌ها به‌ویژه تصمیم‌های گروه‌های ذی‌نفع

منبع: توسلی و ودادهیر، ۱۳۸۸

در تقسیم‌بندی گیدنز مخاطرات به دو دسته مخاطرات خارجی^۱ و انسان‌ساخت^۲ تقسیم می‌شود. مخاطرات خارجی، خطرهایی است که از ناحیه طبیعت بر انسان وارد می‌شود، اما از آنجا که مخاطره مستلزم آگاهی به شرایط آن است، با افزایش آگاهی، مخاطره افزایش یافته و تنوع بیشتری پیدا می‌کند. مخاطره‌های انسان‌ساخت، از درک این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که بیشتر احتمال تهدیدهایی که بر فعالیت بشری تأثیر می‌گذارند، زاییده انسان هستند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۳۹-۳۸؛ 3: Giddens, 1999). این تهدیدها از پیش مشخص شده نیست و امکان یا احتمال مواجهه با خطرانی است که انسان با استفاده از فناوری‌های مدرن به دست خود ایجاد می‌کند. در مخاطرات انسان‌ساخت، انسان خود در ایجاد خطر نقش دارد. جامعه مخاطره‌آمیز نگران مخاطرات انسان‌ساخت است و بخش قابل توجهی از نیروی بشر برای کاهش این نوع مخاطرات صرف می‌شود (4: Giddens, 1999).

در نظریه بک، «مخاطره احتمال وقوع آسیب به دلیل توجه به فرایندهای تکنولوژیک و یا غیرتکنولوژیک تعریف شده است. از این رو متخصصان، با توجه به مرکز ثقل خطر، برنامه‌های کاهش مخاطره را تعریف کرده و به تشخیص محدوده موقعیت‌های مخاطره‌آمیز اقدام می‌کنند» (4: Beck, 1992). بک مخاطره را به دو دسته مخاطره‌های دموکراتیک و

1. External risk
2. Manufactured risk

فراگیر و مخاطره‌های تبعیض آمیز (Ritzer, 2000: 565) تقسیم کرده است. از این نظر، همه شهروندان در مقابل خطرهای ناشی از مخاطره‌های دموکراتیک برابر بوده و به صورت فراگیر روبه‌رو می‌شوند و از این نظر تفاوتی بین قشرهای اجتماعی و اقتصادی وجود ندارد. آلودگی هوا و بیماری‌های تنفسی از این نوع مخاطره به شمار می‌روند. در حالی که مخاطره‌های نوع دوم به صورت تبعیض آمیزی در جامعه بروز می‌کند، در این نوع مخاطرات، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در مدیریت مخاطره نقش اساسی دارند. داراها در مقابل ندارها و افراد باسواد در مقایسه با افراد کم‌سواد فرصت‌های بیشتری برای مدیریت خطرات دارند. این بدان معناست که فقر در تمامی ابعاد و ساحت‌های خود نه فقط جرم‌زا و مرگ‌آور، بلکه مخاطره‌آفرین نیز هست (توسلی و ودادهیر، ۱۳۸۸: ۱۳).

۳-۱. مدیریت مخاطره

مدیریت مخاطره به معنای توانایی کنترل وقوع مخاطره و کاهش پیامدهای ناخواسته آن است. با وجود این، بر اساس نظریه مدرنیته گیدنز و نظریه مخاطره بک، هر کنش نیت‌مندی الزاماً با پیامدهای خواسته و ناخواسته‌ای روبه‌رو خواهد بود (ریتزر، ۱۳۸۹: ۳۰۴). بنابراین مدیریت مخاطره به معنی توانایی فرد و جامعه برای حذف کامل پیامدها نخواهد بود. شهروند در برابر تهدیدها و مخاطرات، سه واکنش ممکن از خود بروز می‌دهد: انکار، بی‌تفاوتی و یا تغییر و تحول (Beck, 2006: 331). بر اساس گونه‌شناسی بک، با افزایش قدرت مالی، سواد و سایر شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی، توان افراد برای مدیریت مخاطره و تهدیدهای ناشی از مخاطرات تبعیض آمیز افزایش می‌یابد (توسلی و ودادهیر، ۱۳۸۸: ۱۴). به همین دلیل نابرابری اجتماعی اقتصادی بر نوع و نحوه توزیع مخاطرات در شهر تأثیر می‌گذارد.

به عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت: مخاطره به‌عنوان یکی از پیامدهای مدرنیته توسط صاحب‌نظران مطرح شده و بک و گیدنز بیش از دیگران به فرموله کردن آن پرداخته‌اند. با افزایش آگاهی انسان مدرن، تنوع مخاطرات افزایش یافته و نگرانی‌های بیشتری برای آینده شکل می‌گیرد. مخاطرات طبیعی در دوره ماقبل مدرن نیز وجود داشته، اما این انسان مدرن با فناوری و ابزارهای جدید خود تا حدود زیادی توانسته از عهده مدیریت پیامدهای مخاطره برآید. در حالی که مخاطرات انسان‌ساخت بوده که در دوره مدرنیته بسط و

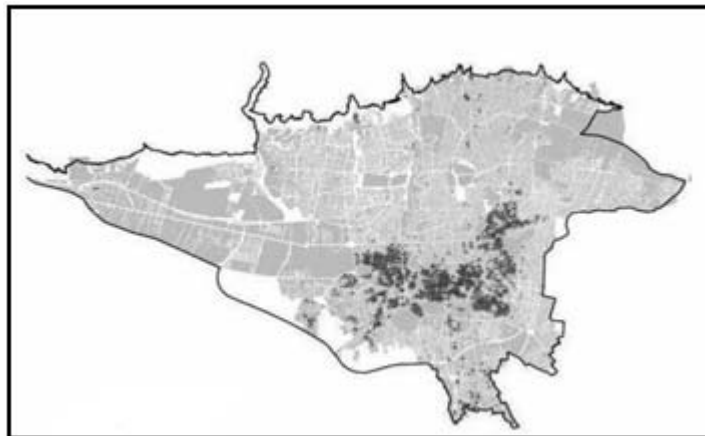
گسترش یافته است، این مخاطرات می‌تواند تمام یا بخشی از جامعه را به صورت دموکراتیک یا نابرابر مورد تهدید قرار دهد. معمولاً افراد توانمند، قادرند پیامدهای مدرنیته و از جمله مخاطرات مدرن را مدیریت کرده و آثار ناخواسته آن را کاهش دهند، اما این به معنای حذف تمامی پیامدهای مخاطره نیست. بنابراین افراد ناتوان، کمتر آگاه و کم‌درآمد به میزان قابل توجهی از ضعف در مدیریت مخاطرات رنج می‌برند و بیش از دیگران در معرض پیامدهای مخاطرات مدرنیته هستند.

جدول ۲. گونه‌شناسی مخاطرات و منشأ و نمونه‌های مثالی آنها بر اساس نظریه گیدنز و بک

نمونه	نوع مخاطره	منشأ مخاطره	گونه‌های اصلی
زلزله	دموکراتیک	پایان طبیعت	خارجی
سیل	تبعیض آمیز		
آلودگی هوا	دموکراتیک	پایان سنت	انسان‌ساخت
دسترسی به مسکن	تبعیض آمیز		

۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش، پیمایشی است. محدوده جغرافیایی مطالعه مناطق شهری تهران است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل خانوارهای ساکن در محدوده بافت‌های فرسوده شهری مناطق مختلف شهر تهران است. با در نظر گرفتن بعد خانوار ۴ حدود ۲۷۸۵۰۰ خانوار در این محدوده زندگی می‌کنند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با فاصله اطمینان ۹۹ درصد و $p=0/4$ برابر با ۶۳۷ به دست آمده است که پس از جمع‌آوری اطلاعات و حذف پرسشنامه‌های مخدوش و غیرقابل اعتماد، ۶۲۲ پرسشنامه باقی ماند.



شکل ۱. نقشه بافت‌های فرسوده شهر تهران

روش نمونه‌گیری، ترکیبی از روش خوشه‌ای و تصادفی منظم است. بدین ترتیب محله‌های دارای بافت فرسوده که بر اساس مطالعات انجام شده توسط وزارت مسکن و شهرداری تهران شناسایی شده‌اند، به‌عنوان یک خوشه انتخاب شد. در مرحله بعد، از هر خوشه یک پهنه که دارای بافت فرسوده بودند، انتخاب شد. سپس متناسب با تعداد خانوارهای هر محله از خانوارهای ساکن در پهنه بافت فرسوده به‌صورت تصادفی منظم و با در نظر گرفتن شماره پلاک واحد مسکونی انتخاب شده است.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات میدانی پرسشنامه است که به‌صورت سؤالات باز و بسته توسط محقق ساخته شد. برای تعیین روایی و اعتبار ابزار تحقیق ابتدا تعدادی پرسشنامه به وسیله دانشجویان منتخب که در محلات فوق سکونت داشته یا دارای سابقه قبلی سکونت بودند، تکمیل و برخی از سؤالات اصلاح یا حذف شد. بعد از ویرایش لازم و به‌منظور اطمینان بیشتر روی یک گروه ۲۰ نفری به‌صورت آزمایشی اجرا شد. در این پژوهش، پایایی و روایی پرسشنامه با روش آماری محاسبه شد. مطالعات درباره اعتبار آزمون براساس نمونه مشابه و محاسبه ضریب همسانی درونی نشان داد که پرسشنامه طراحی شده از روایی و پایایی لازم برخوردار است. برای توصیف و تحلیل اطلاعات از جدول‌های یک‌بعدی و در صورت نیاز همبستگی بین دو متغیر محاسبه شده است.

۳. یافته‌های پژوهش

کلان‌شهر تهران بیش از ۸/۵ میلیون نفر از جمعیت ۱۲ میلیونی استان تهران را در مساحتی بالغ بر ۷۳۰ کیلومتر مربع در خود جای داده است. بیش از ۱۳/۵ درصد از جمعیت در ۵ درصد از مساحت شهر که بافت فرسوده شناخته شده‌اند، زندگی می‌کنند (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۴۸). خانوارهای ساکن در این بافت‌ها در فرایند مدرنیزاسیون شهری علی‌رغم وجود مخاطرات مختلف، به این پهنه‌ها پناه آورده و یا به دلایل خاص در این مناطق ادامه زندگی می‌دهند. جامعه ساکن در این بافت‌ها را افرادی با میانگین سنی بالاتر از متوسط شهر تشکیل می‌دهند، به طوری که میانگین سنی سرپرستان خانوار، برابر ۵۱/۹ و میانه سنی معادل ۵۰ سال بوده است. از نظر سنی، بیش از ۵۶ درصد از پاسخگویان ۵۰ سال یا بیشتر داشته‌اند (جدول ۳). شغل بیش از ۷۸/۵ درصد از سرپرستان خانوار، کارگری، مشاغل آزاد و یا بازنشسته ادارات دولتی بوده (جدول ۴) و میانگین سواد سرپرستان خانوار ساکن در این محدوده‌ها نسبت به کل شهر بیش از ۲۰ درصد تفاوت دارد.

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب طبقات سنی

طبقه سنی	فراوانی	درصد	درصد واقعی	درصد تجمعی
کمتر از ۲۵ سال	۱۳	۲/۱	۲/۱	۲/۱
از ۲۶ تا ۳۰	۲۷	۴/۳	۴/۴	۶/۵
از ۳۱ تا ۴۰ سال	۱۱۱	۱۷/۸	۱۸/۰	۲۴/۵
از ۴۱ تا ۵۰ سال	۱۱۹	۱۹/۱	۱۹/۳	۴۳/۸
از ۵۱ سال به بالا	۳۴۷	۵۵/۸	۵۶/۲	۱۰۰/۰
بی‌پاسخ	۵	۸/۰		
جمع	۶۲۲	۱۰۰/۰		

جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شغل

شغل	فراوانی	درصد	درصد واقعی	درصد تجمعی
بازنشسته	۱۱۰	۱۷/۷	۱۷/۷	۱۷/۷
اداری و دولتی	۱۱۹	۱۹/۱	۱۹/۱	۳۶/۸
کارگر و آزاد	۳۷۸	۶۰/۸	۶۰/۸	۹۷/۶
بیکار	۱۵	۲/۴	۲/۴	۱۰۰/۰
جمع	۶۲۲	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

تقریباً تمام پاسخگویان جذب اقتصاد شهر یا خدمات وابسته شده و یا در حوزه مشاغل مرتبط با آنها اشتغال داشته‌اند. شهر تلاش دارد تا در دگردیسی جدید به نیازهای ساکنان جدید خود پاسخ دهد. در فرایند نوسازی اقتصادی، عملکرد جدیدی برای شهر تعریف شده و ساکنان جدید شهر متناسب با این عملکرد سامان یافته‌اند. ساکنان این بافت‌ها به طور عمده در مشاغل خدماتی و کارگری اشتغال داشته و یا دوران بازنشستگی خود را می‌گذرانند.

به‌طور میانگین سابقه سکونت پاسخگویان ۲۱/۴ سال است. حدود ۴۴ درصد از جامعه، بیش از ۳۰ سال است که در محله و واحد مسکونی فعلی سکونت داشته‌اند (جدول ۵). بافت فرسوده، مکان و مأوای شهروندان کم‌درآمد شده است. حدود یک سوم از خانوارها مالک مسکن نیستند (جدول ۶) و بدمسکنی ویژگی دیگر ابنیه مسکونی این بافت‌ها به شمار می‌رود، به طوری که افزون بر ۱۱ درصد از واحدهای مسکونی، با مصالح غیرمقاوم ساخته شده (جدول ۸) و حدود ۴۴/۷ درصد از آنها بالاتر از ۳۰ سال عمر کرده‌اند (جدول ۹) و بیش از ۵۷ درصد از این واحدها در حال تخریب بوده و یا نیاز به تعمیر اساسی دارند (جدول ۱۰). ۷۸ درصد از واحدهای مسکونی ۳ طبقه و کمتر بوده‌اند (جدول ۷). بدین ترتیب می‌توان گفت: نوسازی و مدرن‌سازی ساختمان‌های دچار نوعی عقب‌ماندگی است. عدم نوسازی و بهسازی، ناپایداری واحدهای مسکونی را باعث شده و ناپایداری به‌عنوان یکی از مخاطرات بافت فرسوده شهر مطرح شده است.

جدول ۵. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سابقه سکونت

سابقه سکونت	فراوانی	درصد	درصد واقعی	درصد تجمعی
کمتر از ۱۰ سال	۲۲۳	۳۵/۹	۳۶/۶	۳۶/۶
از ۱۰ تا ۱۵ سال	۶۱	۹/۸	۱۰/۰	۴۶/۶
از ۱۶ تا ۲۰ سال	۵۵	۸/۸	۹/۰	۵۵/۶
از ۲۱ تا ۳۰ سال	۱۱۰	۱۷/۷	۱۸/۰	۷۳/۶
از ۳۱ به بالا	۱۶۱	۲۵/۹	۲۶/۴	۱۰۰
بی پاسخ	۱۲	۱/۹		
جمع	۶۲۲	۱۰۰/۰		

جدول ۶. مخاطره بهبود مسکن یا تملک و یافت مسکن اجاره‌ای به تفکیک وضعیت مالکیت فعلی

وضعیت مالکیت	فراوانی	درصد	درصد واقعی	درصد تجمعی
مالک	۳۹۴	۶۳/۳	۶۵/۶	۶۵/۶
مستأجر	۲۰۷	۳۳/۳	۳۴/۴	۱۰۰
جمع	۶۰۱	۹۶/۶	۱۰۰/۰	
بی پاسخ	۲۱	۳/۴		
جمع	۶۲۲	۱۰۰/۰		

جدول ۷. توزیع فراوانی واحدهای مسکونی بر حسب تعداد طبقه

تعداد طبقات	فراوانی	درصد	درصد واقعی	درصد تجمعی
۱	۹۵	۱۵/۳	۱۵/۴	۱۵/۴
۲	۲۱۱	۳۳/۹	۳۴/۲	۴۹/۶
۳	۱۷۵	۲۸/۱	۲۸/۴	۷۸/۰
۴	۹۵	۱۵/۳	۱۵/۴	۹۳/۴
۵ و بیشتر	۴۱	۶/۶	۶/۷	۱۰۰
بی پاسخ	۵	۸/۰		
جمع	۶۲۲	۱۰۰/۰		

جدول ۸. توزیع فراوانی ساختمان‌ها بر حسب نوع اسکلت

اسکلت	فراوانی	درصد	درصد واقعی	درصد تجمعی
آجر آهن	۴۳۱	۶۹/۳	۷۰/۲	۷۰/۲
اسکلت بتونی	۹۸	۱۵/۸	۱۶/۰	۸۶/۲
اسکلت فلزی	۴۶	۷/۴	۷/۵	۹۳/۶
آجر و چوب یا آجر و خشت و گل	۳۶	۵/۸	۵/۹	۹۹/۵
سایر	۳	۵/۰	۵/۰	۱۰۰/۰
بی پاسخ	۸	۱/۳		
جمع	۶۲۲	۱۰۰/۰		

جدول ۹. توزیع فراوانی ساختمان‌ها بر حسب عمر ساختمان

عمر ساختمان	فراوانی	درصد	درصد واقعی	درصد تجمعی
بیش از ۳۰ سال	۲۷۷	۴۴/۵	۴۴/۷	۴۴/۷
۱۰ تا ۱۵ سال	۱۹۹	۳۲	۳۲/۲	۷۶/۹
کمتر از ۱۰ سال	۷۶	۱۲/۲	۱۲/۳	۸۹/۲
نوساز	۶۷	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰۰/۰
بی پاسخ	۳	۵/۰		
جمع	۶۲۲	۱۰۰/۰		

جدول ۱۰. توزیع فراوانی ساختمان‌ها بر حسب کیفیت ساختمان

کیفیت ساختمان	فراوانی	درصد	درصد واقعی	درصد تجمعی
در حال تخریب	۶۹	۱۱/۱	۱۱/۲	۱۱/۲
نیاز به تعمیر دارد	۲۸۳	۴۵/۵	۴۵/۸	۵۷/۰
نیاز به تعمیر ندارد	۸۳	۱۳/۳	۱۳/۴	۷۰/۴
ساختمان خوب است	۱۸۳	۲۹/۴	۲۹/۶	۱۰۰/۰
بی پاسخ	۴	۶/۰		
جمع	۶۲۲	۱۰۰/۰		

شهر امروز بازتابنده یکی از مخاطرات اساسی به نام ترافیک و انبوه رفت و آمدهایی است که با آمدن مهم‌ترین فناوری مدرن یعنی اتومبیل در زندگی شهروندان، تولید شده و در شهر بروز یافته است. شهر تولیدکننده ترافیک و بازتولیدکننده آن در سیما و کالبد است. از این رو تراکم رفت و آمد اتومبیل، امروز به‌عنوان یکی از مخاطرات زندگی مدرن به‌شمار می‌رود. ترافیک و انبوهی تردد و وسایط نقلیه در بافت‌های جدید با ایجاد زیرساخت‌های لازم از قبیل بزرگراه، تونل، پارکینگ و غیره مدیریت شده، اما در بافت فرسوده شهر اکثر شهروندان مورد پرسش تراکم ترافیک را به‌عنوان یک مسئله مهم خود مطرح کرده و بیش از ۷۲ درصد از آنها ترافیک را به‌عنوان یکی از نگرانی‌های امروز بافت ذکر کرده‌اند.

مفهوم و مصادیق مشکلات اجتماعی را باید ذیل تغییرات اجتماعی در گذار از سنت به مدرنیته جست‌وجو کرد. یکی از مهم‌ترین آثار گذار از سنت به مدرنیته، تغییرات اساسی و مهم در ارزش‌های اجتماعی است. به این ترتیب با شکل‌گیری ارزش‌های جدید در جوامع مدرن و به فراموشی سپرده شدن ارزش‌های دوره سنت، تلقی از رفتارهای بزهکارانه و مجرمانه نیز تغییر خواهد کرد. فضاهای بی‌دفاع شهری در بافت‌های فرسوده و کمبود امکانات لازم برای حفاظت از اتومبیل و تجهیزات مدرن خانوار از جمله ناهماهنگی‌های فضا و کالبد شهری با نیاز و خواسته ساکنان است. علی‌رغم اینکه سهم مالکان اتومبیل در بین پرسش‌شوندگان پایین و حدود ۵۵ درصد است، اما در بین همین گروه نیز عدم وجود پارکینگ اتومبیل با ۵۸ درصد و احتمال سرقت اتومبیل با ۳۴ درصد، یکی از مخاطره‌های زندگی در بافت فرسوده ذکر شده است (جدول ۱۱). حدود ۵۴ درصد از ساکنین بافت، ناهنجاری‌هایی مثل دزدی و اعتیاد در بافت فرسوده را به‌عنوان یکی از مخاطرات زندگی در این بافت مطرح کرده‌اند (جدول ۱۲).

جدول ۱۱. آیا خانواده دارای اتومبیل است؟

درصد واقعی	درصد واقعی	درصد	فراوانی	
۵۵/۰	۵۵/۰	۵۴/۰	۳۳۶	بلی
۱۰۰/۰	۴۵/۰	۴۴/۲	۲۷۵	خیر
	۱۰۰/۰	۹۸/۲	۶۱۱	جمع
		۱/۸	۱۱	بی پاسخ
		۱۰۰/۰	۶۲۲	جمع

جدول ۱۲. رابطه بین مالکیت اتومبیل و پارکینگ

جمع	پارکینگ مستقل		آیا خانواده دارای اتومبیل است؟
	ندارد	دارد	
۳۳۱	۱۹۶	۱۳۵	بلی
۲۷۴	۲۱۴	۶۰	خیر
۶۰۵	۴۱۰	۱۹۵	جمع

جدول ۱۳. توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر اعتقاد به کم بودن خلاف‌هایی مثل دزدی اعتیاد و... در محله

درصد واقعی	درصد واقعی	درصد	فراوانی	
۸/۳	۸/۳	۸/۰	۵۰	کاملاً موافقم
۴۶/۶	۳۸/۳	۳۷/۱	۲۳۱	موافقم
۶۵/۳	۱۸/۷	۱۸/۲	۱۱۳	نظری ندارم
۹۰/۹	۲۵/۵	۲۴/۸	۱۵۴	مخالفم
۱۰۰/۰	۹/۱	۸/۸	۵۵	کاملاً مخالفم
	۱۰۰/۰	۹۶/۹	۶۰۳	جمع
		۳/۱	۱۹	بی پاسخ
		۱۰۰/۰	۶۲۲	جمع

انسان مدرن در تنهایی خود فرو می‌رود و در دنیای جمع غریبه‌ها، هر مداخله‌ای در زندگی خود را مزاحمت می‌داند. مزاحمت می‌تواند طیف گسترده‌ای داشته باشد، اما به دلیل زنده و فعال بودن ارزش‌های سنتی بیان چنین مزاحمت‌هایی خود در محدوده حریم شخصی و از تابوها به شمار می‌رود. از این رو تعداد کسانی که به این سؤال به صورت واضح پاسخ داده‌اند، محدود و در حد ۸/۷ درصد از کل نمونه است. با این حال از بین کسانی که پاسخ

مخاطره‌های بافت فرسوده شهر تهران از دیدگاه کنشگران عادی ۱۵۱

داده‌اند، بیش از ۴۱ درصد تأیید کرده‌اند که نگران وجود مزاحمت‌های خیابانی در محله هستند. برای کنترل این سؤال، از ایجاد مزاحمت برای رفت و آمد زنان و دختران در خیابان‌ها پرسیده شده است. نتیجه این پرسش نشان داد که بیش از ۱۴/۶ درصد از جامعه از وضعیت امنیت تردد زنان و دختران در خیابان‌ها نگرانی دارند (جدول ۱۴). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مزاحمت‌های خیابانی، هر چند با سهم کم، به‌عنوان یکی از مخاطرات زندگی در بافت‌های فرسوده شهری به شمار می‌رود.

جدول ۱۴. ترافیک محله برای ما مخاطره ندارد

کاملاً موافقم	فراوانی	درصد	درصد واقعی	درصد تجمعی
۱۰۷	۱۷/۲	۱۷/۷	۱۷/۷	۱۷/۷
۱۲۳	۱۹/۸	۲۰/۳	۳۸/۰	۳۸/۰
۸۴	۱۳/۵	۱۳/۹	۵۱/۹	۵۱/۹
۱۶۸	۲۷/۰	۲۷/۸	۷۹/۷	۷۹/۷
۱۲۳	۱۹/۸	۲۰/۳	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
۶۰۵	۹۷/۳	۱۰۰/۰		
۱۷	۲/۷			
۶۲۲	۱۰۰/۰			
بی پاسخ				
جمع				

جدول ۱۵. نگرانی از مزاحمت برای ساکنین و زنان

مزاحمت برای ساکنان وجود دارد	فراوانی	درصد	درصد واقعی
۵۴	۸/۷	۴۱/۲	۴۱/۲
۸۸	۱۴/۶	۱۴/۶	۱۴/۶
برای زنان مزاحمت وجود دارد			

مدرنیته نهادهای جدیدی را به وجود می‌آورد تا در شرایط تخریب آنچه از سنت باقی مانده، بتواند نقش‌ها و وظایف نهادهای سنتی را بر عهده گیرند. مراکز آموزشی برای آموزش مدرن افراد جامعه به جای بخشی از وظایف کارکرد خانواده قرار می‌گیرد. مراکز تجاری و خدمات جدید در رقابت با بازارهای سنتی شکل می‌گیرند تا با شکل‌گیری خود به تخریب بازار سنتی کمک کنند (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۵) و مراکز انتظامی در شهرها مستقر می‌شوند تا ناامنی ناشی از دوران مدرنیته را مدیریت و کنترل کنند، اما در شرایط مدرنیزاسیون، نوعی تأخر بین بخش‌های مختلف جامعه در مدرن شدن روی داده و بافت

فرسوده محل بروز این ناهماهنگی است. عدم توزیع مناسب و عادلانه تأسیسات و خدمات شهری نمود این شیوه مدرنیزاسیون در شهر بوده است. بدین ترتیب یکی از مخاطرات عصر مدرنیته، عدم دسترسی به خدماتی است که به واسطه مدرنیزاسیون در جامعه توسعه پیدا کرده و به عنوان نیاز روز فرد تعریف شده است. بیشترین مخاطره در این زمینه به عدم دسترسی به ادارات دولتی با حدود ۶۵ درصد از پاسخگویان و عدم دسترسی به مراکز تجاری عمده فروشی با ۵۲/۴ درصد و کمترین میزان نگرانی و مخاطره به عدم دسترسی به مرکز آموزشی در سطح دبستان با ۲/۱ درصد برمی گردد. در مجموع می توان گفت: نزدیک به دو سوم افراد به دلیل عدم دسترسی به حداقل یکی از انواع خدمات مدرن در حالت مخاطره زندگی می کنند.

جدول ۱۶. تعداد و سهم پاسخگویان در عدم دسترسی به خدمات

درصد واقعی	درصد	فراوانی	نوع خدمات
۶۴/۹	۶۲/۷	۳۹۰	ادارات دولتی
۵۲/۴	۵۰/۸	۳۱۶	مرکز تجاری و عمده فروشی
۴۸/۸	۴۷/۱	۲۹۳	آتش نشانی
۴۸/۸	۴۷/۱	۲۹۳	کلانتری
۲۳/۴	۲۳/۲	۱۴۴	مرکز میوه و تره بار
۱۶/۳	۱۶/۱	۱۰۰	دبیرستان
۱۲/۶	۱۲/۴	۷۷	مغازه و خواربار فروشی
۱۲/۲	۱۲/۱	۷۵	مرکز بهداشتی درمانی
۹/۶	۹/۵	۵۹	راهنمایی
۲/۱	۲/۱	۱۳	دبستان

برداشت آغازین از سوژه، طی یک سده آراسته و پیراسته شده و اکنون سوژه برین، دست در تغییر شرایط برای دسترسی به حیات مدنی مطلوب و مورد نظر دارد. به تعبیر تورن، سوژه به سوی رهایی هر چه بیشتر از زندان‌هایی که او را دربر گرفته، می‌رود. رهایی از زندان موجب استقلال فرد می‌شود، مناسبات اجتماعی او را مختل می‌کند و تنهایی و از خود بیگانگی انسان معاصر را شدیدتر می‌کند (جابری مقدم، ۱۳۸۶: ۲۱۰). در فرایند دگردیسی شهر کهن به شهر جدید و در فرایند تبدیل کهنه به نو، کالبد شهر به جای مکان «تجمع آشناها» به محل «قرار گرفتن در کنار هم غریبه‌ها» تغییر ماهیت می‌دهد. «تراکم

اخلاقی و تجمع غریبه‌ها در شهرهای بزرگ، نوعی عدم اطمینان اخلاقی برای افراد به همراه می‌آورد» (باندز، ۱۳۹۰: ۸). در شهرها و بافت‌های مهاجرپذیر، فرایند غریبه شدن جامعه و افراد آن تسریع می‌شود و شهر این فرایند را در فضا و کالبد خود نشان می‌دهد. شهر مدرن نیز با توسعه و ترویج فناوری جدید و تغییر شکل ارتباط، از ارتباطات چهره به چهره به ارتباط‌های مجازی و جدا شدن فعالیت‌ها از مکان و نیز فضا از زمان، غریبگی را تولید و بازتولید می‌کنند. این موضوع با شاخص تغییر محل سکونت از محل تولد و آشنایی و بستگی همسایه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. تنها ۱۸/۴ درصد در همین محله فعلی متولد شده و حدود ۸۲ درصد از جای دیگری به این محل آمده‌اند. با در نظر گرفتن سابقه سکونت افراد در این محل، انتظار می‌رود، تغییر محل از محل تولد به بافت، با سابقه سکونت جبران شود. به عبارت دیگر، خویشان درجه یک جای خود را به همسایگانی بدهند که طی سالیان طولانی با هم معاشرت دارند. حدود ۴۴ درصد از خانوارها با همسایگان خود آشنایی یا نسبتی ندارند. از میان کسانی که آشنایی و نسبت خود با همسایگان را اعلام کرده‌اند، ۲۰/۴ درصد رابطه فامیلی داشته و بقیه روابط در حد آشنایی و دوستی بوده است. بدین ترتیب می‌توان گفت: نزدیک به ۸۹ درصد از کل افراد از محلات دیگر، سایر شهرها و روستاها به این محله آمده و با همسایگان محله خود روابط قومی و فامیلی ندارند. با توجه به ضعف دسترسی و یا عدم تمایل خانوارها به استفاده از نهادهای مدرن، در چنین جامعه‌ای احساس غریبه‌گی و تنهایی افزایش یافته و مخاطره از نوع هویتی و شخصی بالا می‌رود.

جدول ۱۷. شاخص‌های احساس تنهایی سرپرست خانوار

درصد واقعی	درصد	فراوانی	
۸۱/۶	۸۹/۷	۴۲۲	متولد این محله نیست.
۴۴/۰	۴۳/۲	۲۶۹	با همسایگان آشنایی و نسبتی ندارد.
۷۹/۵۹	۴۳/۸۷	۲۷۳	آشنایی دارد، ولی رابطه ندارد.

کالبد و فضای بافت فرسوده به خوبی نشان از پیامدهای ناخواسته و مخاطرات مدرن است. شهروندان، مخاطرات موجود در محله را درک، آن را بازگو کرده و درک خود از این

مخاطرات^۱ را در ارزیابی از محله نشان داده است. حدود ۳۵ درصد از پاسخگویان به محله خود علاقه‌ای نداشته‌اند. همچنین بیش از نیمی از پاسخگویان حاضر نیستند دیگر اقوام و خویشان به این محله بیایند. در بیان دلیل این اعلام نظر، عمدتاً مخاطرات و کمبودهایی را ذکر کرده‌اند که در این پژوهش به آن اشاره شد. محاسبه آماری نشان می‌دهد که بین این نظر و کمبودهای تأسیساتی و مخاطرات ناشی از ناپایداری و کیفیت محیط در سطح ۹۵ درصد رابطه معنادار وجود دارد.

علاوه بر درک مخاطره، مدیریت مخاطره نیز اهمیت پیدا می‌کند. فرد مدرن تلاش دارد مخاطرات ناشی از زندگی نوگرایانه را شناسایی و برای مدیریت آن راهکار عملی پیدا کند. راهکارها در طیفی از انکار تا تغییر و تحول در نظریه بک یا سازش تا درگیری در نظریه گیدنز قرار می‌گیرند. با کاهش سواد و افزایش سابقه سکونت و سن افراد راهکارهای انتخاب شده کمتر متحورانه و بیشتر با سازش همراه است. این موضوع در رضایت از محله نشان داده شده است. با افزایش سن افراد میزان موافقت آنها با این گزینه که «محله ما محله خوبی است» افزایش می‌یابد. محاسبه همبستگی آماری نشان از این دارد که رابطه فوق با در سطح ۹۵ درصد معنادار است.

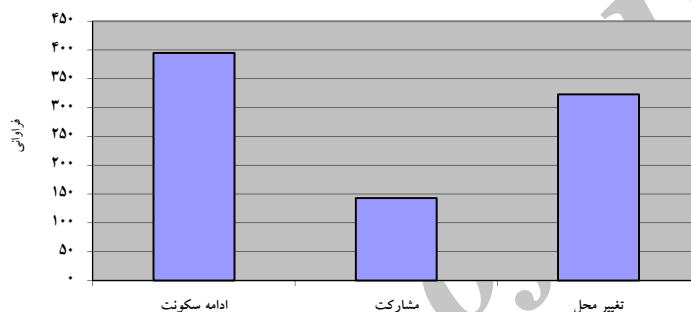
جدول ۱۸. همبستگی بین سازش با وضع موجود و سواد سرپرستان خانوار ساکن در بافت فرسوده

سواد سرپرست	این محله یکی از محلات خوب و مورد علاقه من است.			
-۰/۱۴۲**	۱/۰۰۰	ضریب همبستگی	این محله یکی از محلات خوب و مورد علاقه من است.	ضریب همبستگی کندال
۰/۰۰۰	۰	سطح معناداری		
۶۰۴	۶۰۸	تعداد		
۱/۰۰۰	-۰/۱۴۲**	ضریب همبستگی	سواد سرپرست	
۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری		
۶۱۷	۶۰۴	تعداد		
-۰/۱۸۶**	۱/۰۰۰	ضریب همبستگی	این محله یکی از محلات خوب و مورد علاقه من است.	ضریب همبستگی اسپیرمن
۰/۰۰۰	۰	سطح معناداری		
۶۰۴	۶۰۸	تعداد		
۱/۰۰۰	-۰/۱۸۶**	ضریب همبستگی	سواد سرپرست	
۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری		
۶۱۷	۶۰۴	تعداد		
**همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.				

1. Perception of risk

مخاطره‌های بافت فرسوده شهر تهران از دیدگاه کنشگران عادی ۱۵۵

بیش از ۶۵ درصد از پاسخگویان سازش با وضع موجود را پذیرفته و به همین صورت به محله خود علاقه دارند. ۲۴ درصد از آنها آمادگی مشارکت در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده محله خود را دارند. با این حال، حدود ۷۵ درصد از افراد مایل به مشارکت سازنده برای کاهش مخاطرات نبوده‌اند که این درصد در بین طبقه سنی زیر ۲۵ سال به بالاترین میزان خود یعنی ۹۱ درصد می‌رسد. به عبارت دیگر بین سن افراد و نحوه مدیریت مخاطره رابطه معناداری (در حد بالاتر از ۹۵ درصد) وجود دارد.



نمودار ۱. راهکارهای برگزیده شده برای کاهش مخاطرات

ساکن بافت با درک مخاطره، راهکار ایده‌ال را در جابجایی تعریف کرده است، اما انتخاب این راهکار مستلزم توانایی و قدرت برای تغییر وضعیت است. ۵۴/۵ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که خود و همسایگان به محض توانایی مالی، محل زندگی خود را تغییر خواهند داد و تنها ۱۶ درصد از آنها توانایی مالی را در جابجایی از محله بی‌تأثیر دانسته‌اند. بدین ترتیب یکی از اصلی‌ترین عامل عدم توانایی مدیریت مخاطره، ضعف مالی، فقر و ناتوانی است.

جدول ۱۹. رابطه بین سن و علاقه به محله

سطح معناداری	درجه آزادی	ارزش	
۰/۰۵۱	۱۶	* ۳۶/۲۳۷	کای اسکوئر پیرسون
۰/۰۵۲	۱۶	۲۶/۱۶۴	آزمون نسبت درست‌نمایی
۰/۰۰۳	۱	۸/۸۷۳	ارتباط خطی
		۶۰۴	تعداد
* ۲۸ درصد کمتر از ۵ در نظر گرفته شده‌اند.			

جدول ۲۰. رابطه بین سن و تمایل به سرمایه‌گذاری برای تغییر

سطح معناداری	درجه آزادی	ارزش	
۰/۴۱۶	۴	* ۳/۹۲۶	کای اسکوتر پیرسون
۰/۳۷۲	۴	۴/۲۵۹	آزمون نسبت درست‌نمایی
۰/۱۸۱	۱	۱/۷۹۳	Linear-by-Linear Association
		۵۸۷	تعداد
* ده درصد کمتر از ۵ در نظر گرفته شده‌اند.			

جدول ۲۱. راهکارهای مورد نظر شهروندان برای کاهش مخاطره

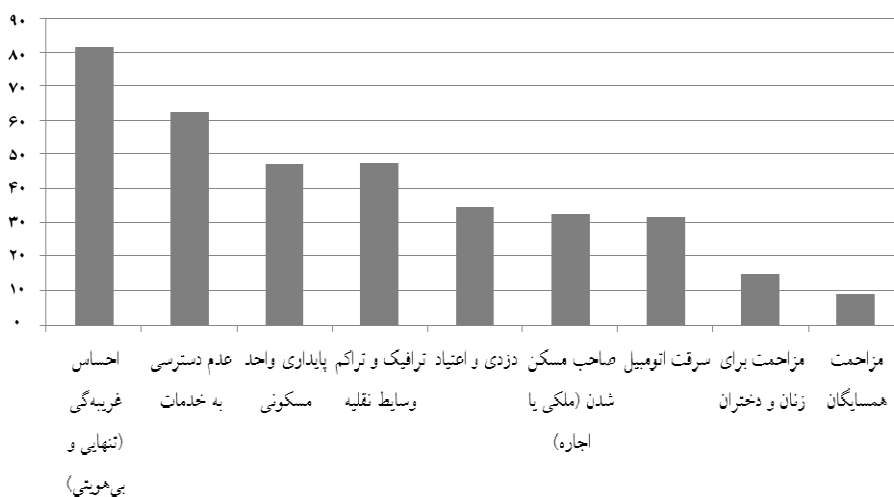
درصد	فراوانی	نوع راهکار
۶۳/۵	۳۹۵	سازش با شرایط و علاقه به ادامه سکونت
۲۳	۱۴۳	مشارکت فعال برای کاهش مخاطرات
۵۱/۹	۳۲۳	جابجایی از محله در صورت توانایی مالی و قدرت اجرایی

مطالعه انجام شده گویای آن است که «احساس بی‌هویتی» و «تنهایی» در نتیجه زندگی با همسایگان و هم‌محله‌ای‌هایی که با آنها آشنایی نداشته و روابط دوستانه‌ای با یکدیگر ندارند، مهم‌ترین مخاطره ساکنین بافت است. این نوع از مخاطرات از سوی ۸۱/۶ درصد از پاسخگویان مطرح شده است. مخاطره‌ای که به تعبیر زیمل (زیمل، ۱۳۷۲) در دوره مدرن مسئله عمومی کلان‌شهری است. با این حال مطرح شدن مسئله فوق در بافت فرسوده به‌عنوان مهم‌ترین مخاطره، نشان از آن دارد که جامعه ساکن در این بافت هنوز به‌طور کامل در جامعه کلان‌شهری ادغام نشده است.

با توجه آنچه از یافته‌های تحقیق به دست آمد، انواع مخاطرات شناسایی شده توسط ساکنین بافت فرسوده در جدول ۲۲ خلاصه شده است.

جدول ۲۲. فراوانی انواع مخاطرات درک شده توسط ساکنین بافت فرسوده تهران

ردیف	نوع مخاطره	تعداد	درصد از کل جامعه
۱	احساس غریبگی (تنهایی و بی‌هویتی)	۵۰۲	۸۱/۶
۲	عدم دسترسی به خدمات	۳۹۰	۶۲/۷
۳	ناپایداری واحد مسکونی	۳۵۲	۴۶/۷
۴	ترافیک و تراکم وسایط نقلیه	۲۹۱	۴۷/۱
۵	محافظت از اموال و نگرانی از سرقت	۲۰۹	۳۴/۶
۶	نگرانی از صاحب مسکن شدن (ملکی یا اجاره)	۲۰۲	۳۲/۵
۷	عدم دسترسی به پارکینگ و نگرانی از سرقت اتومبیل	۱۹۶	۳۱/۵
۸	مزاحمت برای زنان و دختران	۸۸	۱۴/۶
۹	مزاحمت همسایگان	۵۴	۸/۷



نمودار ۲. انواع مخاطرات مدرن در بافت فرسوده شهر تهران

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مقاله طرح‌واره‌ای کلی از مخاطره - به‌عنوان یکی از پیامدهای مدرنیته - در بافت فرسوده ارائه داده است. بر اساس یافته‌های این مطالعه می‌توان گفت:

۱. با انطباق یافته‌های تحقیق با گونه‌شناسی مخاطرات انجام شده توسط گیدنز،

مخاطراتی که توسط ساکنان بافت فرسوده درک و شناسایی شده، بیش از آنکه از تهدیدهای ناشی از «پایان طبیعت» سرچشمه گیرد، تهدیدهای ناشی از «پایان سنت» است. بیم و دلنگرانی‌هایی که شهر مدرن ضمن ارائه خدمات و فناوری مدرن، آن را به وجود آورده است. عدم دسترسی به خدمات، عدم وجود تأسیسات زیربنایی، از جمله پارکینگ و شبکه دسترسی مناسب و احتمال وقوع سرقت و آسیب‌های اجتماعی، نگرانی‌های انسان امروزی ساکن در بافت است.

۲. در تطبیق مخاطرات فوق با گونه‌شناسی انجام شده توسط بک، مخاطرات شناسایی شده توسط ساکنان بافت فرسوده هم از نوع مخاطره‌های دموکراتیک و فراگیر و هم از نوع مخاطره‌های تبعیض‌آمیز هستند. مخاطره‌هایی مثل ترافیک به مثابه مخاطره فراگیر در کل شهر، اعم از بافت فرسوده یا بافت جدید وجود داشته و به مسئله شهری تبدیل شده است. با این حال اغلب مخاطره‌ها از نوع تبعیض‌آمیز هستند که این شهروندان را تهدید می‌کند.

۳. ساکنان کم‌درآمد و کمتر باسواد و مسن‌تر بافت فرسوده، فرصت‌های کمتری برای شناخت مخاطره و پرهیز و مدیریت خطرات بالقوه آن دارند، در نتیجه نسبت به ساکنان مناطق دیگر بیشتر در معرض مخاطره‌ها و پیامدهای آن قرار می‌گیرند. مخاطره‌هایی از نوع عدم دسترسی به خدمات، ناپایداری مسکن، سرقت، عدم دسترسی به پارکینگ، مزاحمت‌ها و... از جمله مخاطره‌هایی هستند که به صورت تبعیض‌آمیزی در بافت فرسوده نمود پیدا کرده و شهروند این مناطق توان مدیریت آنها را ندارد. مدرنیته با ایجاد نهادهای مدرنی همچون نهاد نوسازی بافت فرسوده شهری و با حمایت‌های مالی تلاش دارد این ضعف و عدم توانایی را جبران کند.

۴. مخاطره‌های معاصر را با ایجاد نهادهای مدرن می‌توان کاهش داد، اما نمی‌توان به طور کامل آنها را از میان برداشت. ساکنین بافت برای کاهش مخاطرات، طیفی از راهکارها را انتخاب کرده و یا حداقل در حد رویابینی به آن فکر می‌کند. از سازش تا جابجایی و تغییر محل سکونت، برای رفع این ناامنی‌ها پیشنهاد شده است. در بین این راهکارها، کمترین سهم را مشارکت در بهبود وضعیت محله به خود اختصاص داده است.

۵. سابقه سکونت، سواد و سن مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر نحوه مدیریت مخاطرات

شناسایی شده در بافت فرسوده است. علاوه بر محاسبه آماری، شهروندان اعلام داشته‌اند که در صورت توانایی مالی از بافت مهاجرت می‌کنند. پس شهروند ساکن، به دلیل مشکلات مالی، افزایش سن، کم‌سواد و یا سابقه زیاد زندگی در محله، سازش با شرایط موجود را مهم‌ترین روش مدیریتی می‌داند. به عبارت دیگر، این گروه از افراد در جامعه مخاطره‌آمیز به صورت تبعیض‌آمیزی با خطرات و آسیب‌های ناشی از مخاطرات بافت روبه‌رو می‌شوند و توان مقابله با آن را ندارند. با ناامیدی در مدیریت مخاطره، سازش با وضع موجود را می‌پذیرد و یا تلاش دارد با توانمند کردن خود از نظر مالی، محله دیگری را برای سکونت امن تر انتخاب کند. در چنین وضعیتی، سوژه مدرن با خیال خود در شهر زندگی می‌کند و سعی می‌کند در درون خیالات و رویاهای خود فضاهایی مناسب زندگی بیافریند.

۶. علی‌رغم تأکید سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بر مخاطرات کالبدی و ناپایداری واحدهای مسکونی در مقابل مخاطرات خارجی و طبیعی، از دید ساکنان، مخاطرات و ناامنی‌های انسانی و رفاهی در اولویت بالاتری قرار دارد. از این رو پیشنهاد می‌شود برای کاهش پیامدهای مدیریت نشده مخاطرات مدرنیته، توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی شهروندان ساکن در بافت فرسوده در اولویت قرار گیرد تا شهروندان خود توانایی شناسایی و مدیریت مخاطره در شهر اقدام کنند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. ابراهیمی، سمیه و سیدغلامرضا اسلامی (۱۳۸۹). «معماری و شهرسازی ایران در دوران گذار»، نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶، بهار و تابستان.
۲. ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۷). «نگاهی جامعه‌شناختی به مخاطره در شهر»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره دوم، شماره ۲، زمستان.
۳. باندز، مایکل (۱۳۹۰). نظریه اجتماعی شهری (شهر، خود و جامعه)، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. برمن، مارشال (۱۳۸۹). تجربه مدرنیته، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: انتشارات طرح نو.
۵. تاجبخش، کیان (۱۳۸۶). آرمان شهر: فضا هویت و قدرت در اندیشه اجتماعی معاصر، تهران: نشرنی.
۶. توسلی، غلامعباس و ابوعلی و دادهیر (۱۳۸۸). «مناسبات دانش و سیاست در یک جامعه مخاطره‌آمیز: تأملی جامعه‌شناختی بر شکل‌گیری جوامع مخاطره‌آمیز نظارتی در عصر حاضر»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۴.
۷. جابری‌مقدم، مرتضی‌هادی (۱۳۸۶). شهر و مدرنیته، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۸. حاتمی‌نژاد، سیدحسین و حسین قهرایی (۱۳۸۵). «شهرنشینی و شهرسازی مدرن و پست مدرن»، مجله علوم جغرافیایی، شماره ۲، تابستان.
۹. حبیبی، سید محسن (۱۳۷۵). از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۵). شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۱. حبیبی، سیدمحسن و ملیحه مقصودی (۱۳۸۴). مرمت شهری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. ریتزر، جرج (۱۳۸۹). مبانی جامعه‌شناسی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشر ثالث.
۱۳. زیاری، کرامت‌الله (۱۳۸۲). «تحولات اجتماعی - فرهنگی ناشی از انقلاب صنعتی در توسعه فضایی شهر تهران»، مجله جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان.
۱۴. زیاری، کرامت‌الله (۱۳۸۲ ب). «تأثیر فرهنگ در ساخت شهر (با تأکید بر فرهنگ اسلامی)»، مجله جغرافیا و توسعه شماره ۲، پاییز و زمستان.
۱۵. زیمل، گئورگ (۱۳۷۲). «کلان‌شهر و حیات ذهنی»، ترجمه یوسف ابادری، نشریه نامه علوم اجتماعی، شماره سوم، بهار.
۱۶. قاسمی، ایرج (۱۳۹۰). بازنگری رویکردی نظری و معیارهای بافت فرسوده شهر تهران، گزارش چاپ‌نشده.
۱۷. قاسمی، ایرج، احمد پوراحمد و حسین حاتمی‌نژاد (۱۳۹۱). «پیامد نوپردازی در سازمان فضایی

مخاطره‌های بافت فرسوده شهر تهران از دیدگاه کنشگران عادی ۱۶۱

- و عملکرد بازار تهران»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۰ زمستان.
۱۸. کول‌آبادی، فریده (۱۳۸۷). «بازسازی و احیا در بافت‌های فرسوده شهری»، ارائه شده به اولین همایش بهسازی نوسازی بافت‌های فرسوده، مشهد ۲۱-۲۰ آذر.
۱۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
۲۰. وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۴) راهنمای شناسایی و مداخله در بافت‌های فرسوده، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، مصوبه شماره ۳۰۰/۷۳۷/د-۳/۱۳۸۴/۵/۳.

ب) منابع لاتین

1. Beck, Ulrich (1992). Risk Society: Towards a New Modernity, translated by Mark Ritter, London, Newbury Park, New Delhi, SAGE Publications Ltd.
2. Beck, Ulrich (2006). "Living in the World Risk Society", *Economy and Society*, Vol. 35, No. 3, August: 345- 392.
3. Giddens, Antony & Pierson, C. (1998). Conversations with Anthony Giddens: Making Sense of Modernity, Oxford, polity press.
4. Giddens, Antony (1999). "Risk and Responsibility", *The Modern law review*, vol. 62, January, No. 1.
5. Lefebvre, Henri (1991). The Production of Space, translated by Donald Nicholson-smith Pcm, Blakwell Publishing.
6. Mythen, Gabe (2004). Ulrich Beck A Critical Introduction to the Risk Society, London: Pluto Press.
7. Ritzer, George (2000). *sociological Theory*, 5th Edition, New Yourk: McGraw-Hill.